

یادداشت‌های کتابدار

رسول جزینی^۱

۴. زین‌الدین محمد بن ابی نصر المتطبب القمی، عالم گمنام امامی قرن ششم زین‌الدین محمد بن ابی نصر بن محمد بن علی المتطبب القمی (زنده در ۵۸۷ق و متوفی قبل از ۶۰۱ق)، عالم و ادیب و طبیب امامی قرن ششم ساکن قم. اطلاعات اندکی درباره او موجود است. معاصر ایشان شیخ منتجب‌الدین رازی، می‌نویسد: «الشیخ زین‌الدین محمد بن ابی نصر القمی؛ ادیب، فاضل، طبیب».^۲ در ادامه تلاش شده اطلاعات پراکنده‌ای که درباره او موجود است گردآوری و ارائه شود.

شاگرد و راوی وی، علی بن ابی سعد المتطبب (زنده در ۶۱۸ق) در یادداشتی بر نسخه نهج البلاغه خود، از ایشان با تعبیر «الامام الکبیر العالم النحریر زین‌الدین جمال الاسلام فرید العصر محمد بن ابی نصر» و «الامام الکبیر العلامه النحریر زین‌الدین سید الاثمه فرید العصر محمد بن ابی نصر» نام می‌برد. بر روی همان نهج البلاغه اجازه‌ای از محمد بن ابی نصر به علی بن ابی سعد بوده که بر اساس آن، سه نفر از مشایخ ایشان دانسته می‌شود:

^۱. کتابدار دانشگاه ادیان و مذاهب

^۲. منتجب‌الدین رازی، الفهرست، تحقیق محدث ارموی، ص ۱۲۰؛ فقط همین اطلاع در ریاض العلماء ج ۵ ص ۱۸ و امل الامل ج ۲ ص ۲۳۵ تکرار شده است

ابوالرضا راوندی و ابوالقاسم مرزبان بن حسین (کمیج) بن محمد مشهور به ابن کمیج^۱ و دایی پدرش، ابوالحسن محمد بن الادیب ابی محمد حسن بن ابراهیم بن بندار^۲ بر اساس اجازه‌ای دیگر که اشاره خواهد شد (در صورت درستی آن)، ابن الاخوه (۴۸۳-۵۴۸ق) نیز از مشایخ محمد بن ابی نصر بوده است.

سید ابوالرضا راوندی در مقدمه کتاب شرح دیوان الحماسه ابوتمام می‌نویسد: «...فلمحها فی یدی فتای و ربیبی و سیدی و حبیبی الشیخ الادیب الاریب ابوجعفر محمد بن ابی نصر بن محمد المکتب القمی...»^۳. این تعابیر و شواهد دیگر نشان دهنده این است که ظاهراً ایشان معاصر جوانتر ابوالرضا بوده است.

از ویژگی‌های قرن ششم در اصفهان و قم و کاشان وجود ادیبان برجسته شیعی مذهب است. زین‌الدین محمد نیز ادیب و شاعری توانا بوده است. اشاره به جایگاه ادبی و ممتاز او در کلام تاریخ نویس و ادیب معاصر او نجم‌الدین ابوالرجاء قمی (متوفی اواخر قرن ششم) در کتاب ذیل نفثه المصدور آمده است. ابوالرجاء بعد از اینکه تعدادی از فضلا و ادیبان اصفهان را نام می‌برد می‌نویسد: «در قم در این حال دو فاضل بیشتر نمی‌بینیم. یکی افضل الدین پسر ماهابادی، و یکی زین‌الدین محمد بن ابی نصر... امام زین‌الدین محمد بن ابی نصر سایه بان سر علم است. هر علم که در این عهد نشان دهند نیم خورده اوست. جز فضل او در جهان هزار دانی نیست. حاسدان او را چون طوماری خالی از معانی کاتب، پشت و شکم یکی است. این بیت شعر اوست:

۱. درباره او نک طبقات اعلام الشیعه (الثقات العیون)، ص ۲۹۹

۲. احتمالاً ایشان پسر شیخ صفی‌الدین ابومحمد حسن بن ابراهیم بن بندار الجیروی باشد که منتجب‌الدین از او با تعبیر «فقیه صالح» نام برده است (فهرست منتجب‌الدین ص ۵۲؛ ریاض العلماء ج ۲ ص ۱۴۰-۱۴۱)

۳. الحماسه ذات الحواشی، نسخه متحف لندن or19، برگ ۳؛ این کتاب به کوشش موسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث در قم منتشر شده است.

و لما جفانی الزمان الخون و اعتورتنی صروف الزمن
اهبت بصبری و ما خاننی ایا صبر ان لم تکن لی فمن
فها انا ذا مبتلی بالزما ن ممتحناً فعسی الله ان^۱

ابوالرجا بعد از اینکه چند نفر دیگر از فضلاء قم را نام می‌برد در آخر می‌نویسد «و در این حال در قم فذلک حساب فضلاء، زین الدین محمد بن ابی نصر است. ابا عن جد از خاندان علم و فضل. این دو بیت شعر پدر او است.

لا تعجبوا والشمس فی وجهه و حاجیه من فروع طوال
حاجبه قوس بلا مریه و الشمس فی القوس یطیل اللیال^۲

اشعاری دیگر نیز از او باقی مانده است. ابن مستوفی (م ۶۳۷ق) به واسطه ابن فطیرا از علی بن ابی سعد المتطبب اشعاری از محمد بن ابی نصر نقل می‌کند. «انشدنیها سیدی الامام زین الدین محمد بن ابی نصر...»^۳ ظاهراً محمد بن ابی نصر مدتی نیز در کاشان ساکن بوده است. ابن عساکر (م ۵۷۱) در سفری که به ایران آمد در کاشان هم حضور پیدا کرده و سید ابوالرضا و محمد بن ابی نصر را ملاقات کرده است. او اشعاری از وی نقل

^۱. ذیل نفثه المصدر، تحقیق مدرسی طباطبائی، تهران: کتابخانه مجلس، ص ۳۲۸-۳۲۹

^۲. همان، ص ۳۳۴. عبدالجلیل رازی در کتاب النقض به مناسبتی، چند نفر از ادباء و لغویان شیعه را نام می‌برد: «و از ائمه لغت... و غیر ایشان چون ادیب ماهابادی و پسرانش محمد و علی و ابن سمکه قمی و ادیب عمی و ادیب بو عبدالله افضل الدین الحسن ابن فادار القمی عدیم النظیر و غیر ایشان از فضلاء و فحول ادباء...» (عبدالجلیل رازی، النقض، تحقیق محدث ارموی، ص ۲۱۳) «العمی» در برخی نسخ «القمی» آمده است. مرحوم محدث ارموی احتمال داده در اینجا منظور محمد بن ابی نصر القمی است. (محدث ارموی، تعلیقات النقض، ص ۵۸۷)

^۳. ابن مستوفی، تاریخ اربل، تحقیق سامی بن خماس الصقار، ص ۳۵۶-۳۵۵

^۴. ابن عساکر، معجم الشیوخ، تحقیق شاکر الفحام، دارالبشائر، ج ۲، ص ۸۱۳

نموده است: «انشدنی محمد بن ابی نصر بن محمد بن ابی نصر المودب القمی القاسانی لنفسه بقاسان...»^۱

۱۳۸۲- انشدتني محمد بن أبي نصر بن محمد بن أبي نصر
المؤدب القمي القاساني، لنفسه بقاسان^(۱): [من البسيط]
سَقَتِكَ صَوَّبَ حَيًّا لِلبَاكِرِ السَّارِي
حَتَّى تَعُودَ الرُّبَا قَدْ أَلْبَسَتْ حُلَلًا
وَالغَيْثُ بِأَيْ وَوَجْهَ الْأَرْضِ مَبْتَسِمٌ
وَالرِّيحُ تُهْدِي إِلَيْنَا مِنْ تَأْوِجِهِ
يَا حَبْدَا نَفْحَاتُ الطَّلِّ مِنْ طَلَلِ
جَرَّتْ بِهِ الرِّيحُ ذِيلًا مِنْ جَرَائِرِهَا
يَا لَيْتَنِي كُنْتُ كَالطَّارِي أَلِيمٌ بِهِ
وَأَرْكُضُ الطَّرْفَ فِي مَيْدَانِهِ مَرَحًا
وَحَبْدًا زَمَنُ اللَّذَاتِ مِنْ زَمَنِ
وطفاء مرملة يا عرصة الدار^(۲).
من الربيع كساها كل هدار
يفتو عن زهر عَضُّ وُتْوَارِ
لطائم المشك من حانوت عَطَارِ^(۳)
بماء جفني - طلث أرضه - الجار^(۴)
كأنما وترت منه بأوتار
يوماً فأقضي لبياتي وأوطاري
ويأخذ الطرف من آثاره تاري
جريت فيه على حُكْمِي وإيثاري

(۱) قاسان بالسين المهملة وآخره تون وأهلها يقولون قاسان مدينة كانت عامرة
بما رواء النهر في حدود بلاد الترك خربت في عصر ياقوت بغلبة الترك
عليها، ونقل ياقوت عن الحازمي قوله: «وسألت محمد بن أبي نصر
القاساني عن نسبه فقال: أظن أن أصلنا من هذه القرية». معجم البلدان ۴:
۲۹۵.

۱. ابن عساکر، همان، ج ۲، ص ۱۰۶۸. به قرینه نسبت «القمی» در نام وی، منظور از قاسان در اینجا باید کاشان باشد؛
اما محقق کتاب معجم الشیوخ در اینجا به خطا قاسان را همان شهر قاسان در ماوراء النهر تصور کرده و با استناد به
معجم البلدان نوشته این فرد محمد بن ابی نصر القاسانی است. در واقع منبع یاقوت حموی در اینجا ابوبکر الحازمی (م
۵۸۴ق) است که در ذیل «فاشان و قاشان و قاسان» درباره قاسان می نویسد: بلده بخراسان ینسب إليها بعض الفقهاء و
ناحیه من اصفهان ینسب إليها ایضا و سالت محمد بن ابی نصر القاسانی عن نسبه فقال اظن ان اصلنا من هذه الناحیه
(حازمی، محمد بن موسی، الاماکن، تحقیق حمد بن محمد الجاسر، دارالیمامه، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۳۲؛ معجم البلدان
ج ۴ ص ۲۹۵ به نقل از حازمی). ظاهراً حازمی در اینجا، محمد بن ابی نصر را به کاشان در اصفهان نسبت می دهد نه
آنطور که محقق کتاب معجم الشیوخ برداشت کرده و این محمد بن ابی نصر را از قاسان در منطقه ماوراء النهر گرفته
است. ظاهراً این شخص مورد نظر حازمی ابوبکر محمد بن ابی نصر ذاکر است که در اصفهان ساکن بوده و اتفاقاً
ابوبکر حازمی از روایان او بوده است. (ابن دبیشی، ذیل تاریخ مدینه السلام، تحقیق بشار عواد معروف، ج ۱، ص ۳۲۹).
توضیح بیشتر در پاورقی بعد می آید.

یادداشت‌های کتابدار ۴۱

معاصر با وی، شخصی دیگر با نام ابوبکر محمد بن ابی نصر بن محمد القاشانی در اصفهان ساکن بوده که نام وی در برخی اسناد کتب اهل سنت آمده، که به نظر می‌رسد فرد دیگری است و نباید با محمد بن ابی نصر القمی اشتباه گرفته شود.^۱

رساله طبی ناشناخته از محمد بن ابی نصر: اما موردی که مدتی پیش با آن برخورد کردم. در کتابخانه ملی نسخه شماره ۴۸۶۷، جنگی طبی شامل چند رساله پزشکی در تهیه معجون‌ها و نسخه‌های پزشکی برای درمان بیماری‌ها است. فهرست‌نویس محترم در معرفی آن نوشته به احتمال زیاد گردآورنده‌ی جنگ حاضر محمد باقر موسوی، پزشک دربار شاه سلیمان صفوی است و به نظر می‌رسد که نسخه را نیز به خط خود کتابت کرده است.^۲

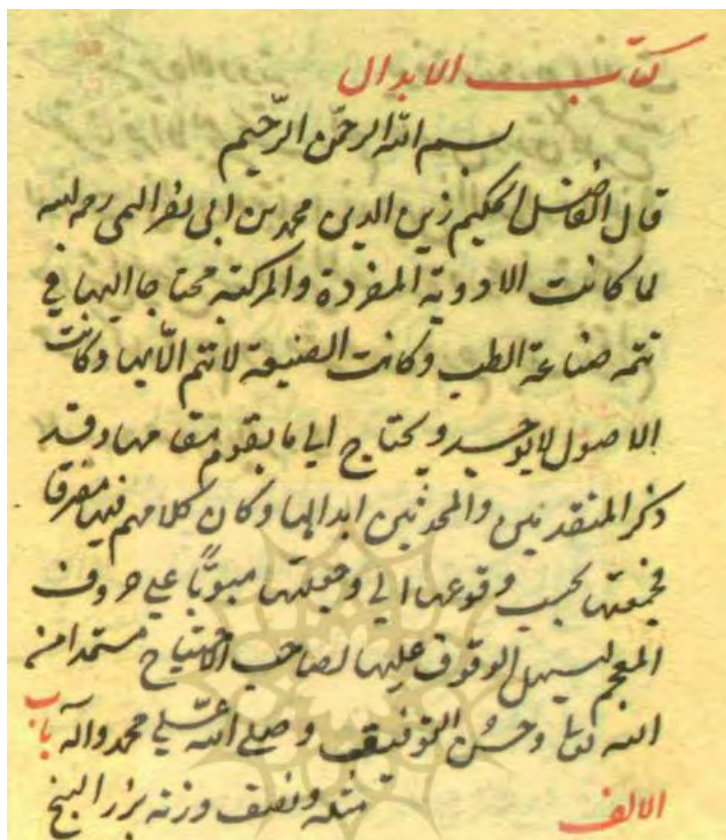
۱. شخصی به نام محمد بن ابی نصر بن محمد القاشانی (القاسانی) که ساکن اصفهان بوده و از مشایخ محمد بن عمر بن خلیفه البوسهلی (م ۶۱۲ق) (التدوین فی اخبار قزوین، ج ۱، ص ۴۷۹) و ربیع بن حسن بن علی (۵۲۵-۶۰۹ق) (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۳ ص ۳۲۸) و همچنین از مشایخ عبدالغنی بن عبدالواحد المقدسی (۵۴۱-۶۰۰ق) (تسمیه ما انتهى الینا من الرواه عن الفضل بن الدکین، تحقیق عبدالله بن یوسف الجدیج، ص ۲۵؛ دشتی، محمود بن اسفندیار، اثبات الحد لله، تحقیق مسلط بن بندر العتیبی، ص ۱۱۳؛ عبدالغنی المقدسی، الامر به معروف و نهی عن المنکر، دارالسلف، ص ۶۲، ۳۶، ۱۴؛ عبدالغنی المقدسی، تحریم القتل و تعظیمه، ریاض، دار ابن حزم، ص ۱۳۴) و احتمالاً از شیوخ سمعانی (م ۵۶۲ق) (ادب الاملاء و الاستملاء تحقیق احمد محمد عبدالرحمن، ج ۱، ص ۲۶۹) است. ظاهراً در همه این موارد منظور ابوبکر محمد بن ابونصر ذاکر بن محمد بن احمد بن عمر الخرقی القاسانی الاصفهانی (م ۵۸۳ق) است (درباره او نک: ابن دبیثی، ذیل تاریخ مدینه السلام، ج ۱، ص ۳۲۹؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۱، ص ۵۹؛ الوافی بالوفیات ج ۳ ص ۵۴). اما اینکه ابوبکر محمد بن ابی نصر بن محمد القاسانی را از مشایخ ابوالمعالی سعد (محمد بن عبدالوهاب (۵۷۸-۶۵۶ق) آورده‌اند (الصله التکمله لوفیات النقلة، ص ۴۰۵) محل تامل است. آیا همین شخص است یا فردی دیگر است؟ نکته آخر آنکه ابوبکر محمد بن ابی نصر شجاع بن ابی بکر محمد اللفتوانی (ح ۴۶۰- متوفی بعد از ۵۳۰ق) از محدثان اصفهان، متقدم‌تر از آن است که او را در موارد بالا منظور بدانیم. (درباره او نک: سمعانی، الانساب، ج ۱۱ ص ۱۱۸، ج ۵ ص ۸۱).

۲. فهرست کتابخانه ملی ایران، ج ۲۰، ص ۳۰۱-۳۰۷

یکی از رساله‌های این مجموعه به نام الابدال است و فهرست نویس در معرفی آن نوشته: «کتابی است در ادویه و اینکه بدل هر دارو، از چه دارویی و به چه میزان می‌توان استفاده کرد. در مقدمه این رساله از سوی گردآورنده زین‌الدین محمد بن ابی نصر الهمی چنین نقل شده است: چون ذکر ادویه مفرده و مرکبه برای تکمیل صناعت طب لازم است و اصولی (ادویه‌ای) که در دسترس نیست نیاز به جایگزین دارد و از آنجائیکه متقدمین و متأخرین ابدال ادویه را به صورت پراکنده بیان کرده‌اند، لذا این اصول را بر حسب اولویتی که به دستم رسیده است گردآوری کردم و برای دسترسی آسان طالبین بر اساس حروف معجم مبوب کردم. در منابع به نام مؤلف اشاره نشده است تنها نام محمد بن محمد ابی نصر خجندی تا حدودی با این نام مشابهت دارد. وی کتابی با عنوان «صناعت طب» یا «اصول تراکیب» دارد. شاید رساله حاضر بخشی از این کتاب باشد...» و در ادامه احتمال داده ممکن است این رساله بخشی از کتاب نجیب الدین سمرقندی باشد که در این مجموعه دو رساله او آمده است.^۱

اما به نظر می‌رسد در اینجا «الهمی» تصحیف «القمی» است و با توجه به اینکه عالم امامی مورد نظر طبیب بوده و کنیه‌اش زین‌الدین می‌توان نتیجه گرفت این رساله از همان عالم مدنظر در این یادداشت است.

^۱. همان، ج ۲۰، ص ۳۰۵-۳۰۶



محمد بن ابی نصر و روایت نهج البلاغه: محمد بن ابی نصر نسخه نهج البلاغه‌ای داشته که بر ابوالرضا راوندی قرائت کرده است. بعداً شاگرد او، علی بن ابی سعد المتطبب نسخه خودش را بر وی عرضه و قرائت می‌کند و (احتمالاً) با نسخه او مقابله کرده و حواشی آن را به نسخه اش انتقال می‌دهد. محمد بن ابی نصر اجازه‌ای برای او در رجب ۵۸۷هـ می‌نویسد.^۱

^۱. الان چند نسخه نهج البلاغه موجود است که بر اساس نسخه علی بن ابی سعد کتابت شده است و اجازات آمده در اصل نسخه، نیز نقل شده است. به عنوان نمونه می‌توان به نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی شماره ۱۳۳۰۱ اشاره کرد.

بر ظهر نسخه نهج البلاغه علی بن ابی سعد، اجازہ محمد بن ابی نصر بودہ: «... و فیہا :
 قرأ علیّ الولد الأعزّ الأنجب جمال الدین أبو نصر علی بن محمد بن الحسین المتطبّب أبقاه
 الله طویلاً وآتاه من فضله جزیلاً کتاب نهج البلاغه نسخه هذه من أولها الى آخرها وأجزت
 له روايته عنی عن السید الإمام العالم العارف ضیاء الدین تاج الإسلام علم الهدی أبی الرضا
 فضل الله بن علی بن عبدالله الحسنی الراوندی بوّاه الله فی جواره جنانه، وثقل بالحسنات
 میزانه قراءةً علیه عن ابن معبد عن أبی جعفر محمد ابن الحسن بن علی الطوسی عن
 الرضی الموسوی رضی الله عنه، وعنی عن الأستاذ السعید أمين الدین أبی القاسم المرزبان
 بن الحسین المدعو ابن کمیح، وعن خال أبوی الأديب أبی الحسن محمد بن الأديب أبی
 محمد الحسن بن ابراهیم عن الشيخ جعفر الدوریستی عن الرضی رضی الله عنه وعنهم وعنا
 جميعاً. وكتب محمد بن أبی نصر بن محمد بن علی سلخ شهر الله المرجب رجب سنه سبع
 وثمانین وخمسائة هجرية نبوية حامداً ومصلياً ومسلماً علی نبیه محمد وعترته أجمعین».

همچنین در آخر نسخه ایشان، یادداشتی از علی بن ابی سعد آمده بود: «فرغتُ من
 قراءته علی مولای (و سندی و کھفی) و سیدی الامام الکبیر العالم التحریر زین الدین جمال
 الاسلام فرید العصر محمد بن ابی نصر - ادام الله ضله، و کثر فی اهل الاسلام و الفضل
 مثله- فی شهر ربیع الاول من شهور سنه سبع و ثمانین و خمسائة هجریه و بعد القراءة
 عرضت هذه النسخة علی نسخه المقروءة علی السید الکبیر العلامة ضیاء الدین علم الهدی
 قدس الله روحه و نور ضریحه ، و نقلت إليها ما وجدته فیها من النکت الغریبة و التنف

برای معرفی آن نک: حسن زاده آملی، حسن، «مقدمه فی مصادر نهج البلاغه»، تراثنا العدد الخامس). درباره نهج البلاغه
 علی بن ابی سعد و نسخه های بعدی که بر اساس آن کتابت شده، ان شاء الله در آینده یادداشتی خواهد آمد.

العجیبه و صححتها غایه التصحیح فصحت إلی ما زلّ عن النظر أو تهاب عن إدراک البصر،
ولله الحمد والمنه، وهو حسبی ونعم الحسیب»^۱!

محمد بن ابی نصر در اجازه‌ای دیگر، در ۱۶ جمادی الاخر ۵۷۵ق اجازه روایت نهج البلاغه را به اشرف الدین صاعد بن محمد بن صاعد البریدی الابی آداده است (صورت این اجازه در مجموعه کتابخانه مجلس ش ۸۸۶۷). بر اساس این اجازه اخیر، دانسته می‌شود او مانند ابوالرضا اجازه روایت نهج البلاغه را از ابن الاخوه (۴۸۳-۵۴۸ق) گرفته و ابن الاخوه از مشایخ او بوده است. متن این اجازه:

«سمع الاجل الاوحد العالم مجدالدین بهاء الاسلام جمال العلماء ابوالعلاء صاعد بن محمد بن صاعد البریدی حرّس الله فضله و افضاله و بلغه دینا و دنیا آماله کتاب نهج البلاغه من اوله الی آخره بقراءة الولد الاعز علی ابقاه الله علیّ و صحّح نسخه هذه عندی غایه التصحیح باحثا عن دقائقه واقفا علی حقائقه و اجزت له روایه جمیعه عنی عن السید الامام السعید ضیاء الدین علم الهدی حجه الحق ابی الرضا فضل الله بن علی الحسنی الراوندی اعلی الله درجته عن الشیخ قطب الدین ابی جعفر محمد بن علی بن الحسن المقری النیشابوری عن الادیب الحسن بن یعقوب [بن] احمد عمّن سمعه من الرضی رضی

^۱ در نقل بالا اشاره دارد بعد از قرائت نسخه نهج البلاغه بر محمد بن ابی نصر «... عرضت هذه النسخه علی نسخه المقروءه علی السید الکبیر ضیاء الدین...». در نسخه نهج البلاغه که سابقا در اختیار مرحوم حسینعلی محفوظ بوده این کلمه به صورت «نسخه» آمده (دانش پژوه، فهرست نسخه های دانشگاه تهران، ص ۱۶۲۱) ولی در نسخه مهدی لاجوردی (که الان در کتابخانه مرعشی شماره ۱۳۳۰۱ موجود است) آقای مرعشی «نسخه» قرائت کرده ولی آقای حسن زاده «نسخته» خوانده است (مقدمه فی مصادر نهج البلاغه ص ۱۸). (در کتاب الفوائد الطریفه افندی و همچنین در نسخه سپهسالار ۳۰۸۴ «نسخته» ضبط شده است). در صورت درستی ضبط اخیر علی بن ابی سعد نسخه نهج البلاغه اش را با واسطه نسخه محمد بن ابی نصر با نسخه ابوالرضا مقابله کرده است.

^۲ درباره او نک فهرست منتجب الدین ص ۷۲. آقای اشکوری سندی ذکر می کند که صاعد از ابن ابی نصر نقل کرده: «و ذکر ان صاعدا یروی عن ابی جعفر محمد بن ابی نصر بن محمد بقم» (تراجم الرجال، ج ۱، ص ۸۰۰/۴۱۱).

الله عنه و عتی عن السید الامام رضی الله عنه عن ابن مفید (کذا و صحیح: ابن معبد) عن الشیخ ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی الطوسی عن الرضی رضی الله عنه و عتی عن الشیخ عبدالرحیم بن الاخوه البغدادی عن ابی القاسم بن المومل الصغانی عن ابی نصر عبدالکریم بن محمد عن الرضی و عتی عن خال والدی ابی الحسن بن الادیب ابی محمد الحسن بن ابراهیم بن بندار عن الشیخ ابی عبدالله جعفر بن محمد الدورستی عن الرضی رضی الله عنه و عنهم و عنا فلیروه و انا بری من التصحیف و التحریف و کتب محمد بن ابی نصر محمد بخطه یوم الخمیس سادس عشر جمادی الاخر الواقعه فی شهور سنه خمس و سبعین و خمسمائه الهجریه حامدا و مصلیا و سلما».



نهج البلاغه کتابت محمد بن محمد بن ابی نصر: نسخه‌ای کهن از نهج البلاغه در کتابخانه مجلس (شماره ۸۳۴۴) موجود است که در چهارم رجب سال ۶۶۰ ق کتابت شده.

این نسخه ۳۴۵ برگ، به خط نسخ کهن و معرب است.^۱ برخی عناوین به خط کوفی نوشته شده است و ما بقی عناوین به شنگرف است. بخش آخر خطبه‌ها (از اواسط خطبه ۲۲۳ به بعد) تا ابتدا بخش نامه‌ها افتادگی دارد. چند برگ نیز به خطی متفاوت (برگ ۶ ب تا ۸ الف) است.

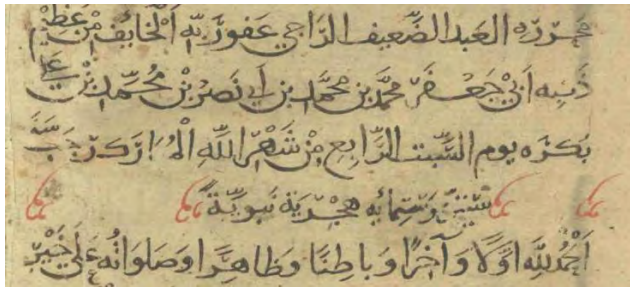
به احتمال بالا کاتب این نسخه فرزند محمد بن ابی نصر القمی است. در انجامه آمده « محرره العبد الضعیف... ابی جعفر محمد بن محمد بن ابی نصر بن محمد بن علی بکره یوم السبت الرابع من شهر الله المبارک رجب سنه ستین و ستمائه هجریه...». در اوایل بخش خطب (تقریباً تا برگ ۴۱)، حواشی و تعلیقاتی به رنگ سیاه و قرمز دارد که احتمالاً همزمان یا نزدیک به تاریخ کتابت متن اضافه شده است. برخی ضبطها با علامت «نسخه ض» در حاشیه آمده که منظور نسخه سید رضی است.

با بررسی اجمالی معلوم شد حداقل تعدادی از این حواشی با نسخه علی بن ابی سعد المتطبب یکسان است. برای تبارشناسی این نسخه لازم است متن و حواشی آن با نسخه نهج البلاغه علی بن ابی سعد با دقت مقایسه شود. مثلاً در حاشیه خطبه ۱۸ مطلبی از ابوالرضا راوندی نقل شده است «قال السید الامام ضیاء الدین قدس الله روحه..»؛ همین حاشیه در نهج البلاغه علی بن ابی سعد نیز موجود بوده است.

مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی که این نسخه را از نزدیک دیده اند معتقدند در تاریخ کتابت آن دستکاری شده است و نسخه کهن‌تر از این تاریخ و از قرن ششم است و در کلمه «ستمائه» تصرف و تغییر داده شده است و احتمال داده اند صحیح «خمسائه» بوده

^۱ فهرست کتابخانه مجلس، ج ۲/۲۷، ص ۷۲

است. ایشان احتمال داده‌اند کاتب این نسخه زین الدین ابوجعفر محمد بن ابی نصر بن محمد بن علی القمی است.^۱ اما بنظر حقیر این احتمال بعید است (والله اعلم).



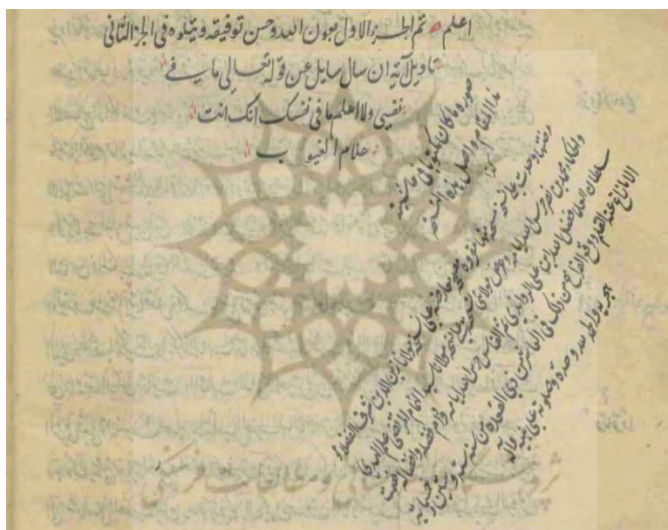
محمد بن ابی نصر و روایت کتاب الامالی سید مرتضی: محمد بن ابی نصر نسخه‌ای از کتاب الامالی سید مرتضی را بر اساس نسخه ابوالرضا کتابت کرده بود. این اطلاع بر اساس نسخه کتاب الامالی دانشگاه (الهیات ش ۵۲) است. کتابت آن را قرن یازدهم دانسته‌اند (فهرست دانشکده الهیات ص ۶۱۶). این نسخه در تملک شیخ حرعاملی بوده و خط و مهر ایشان در برگ عنوان و حواشی آن وجود دارد.^۲ پایان جزء اول آن در پایان مجلس ۲۲ است.

نکته مهم که متأسفانه در فهرست به آن اشاره نشده آن است که این الامالی به نسخه محمد بن ابی نصر المتطبب می‌رسد. خوشبختانه کاتب صورت گواهی قرائت ای که بر نسخه اصل الامالی بوده نقل کرده و در پایان جزء اول آورده: «صورة ما کان مکتوبا فی حاشیته هذا المقام و اصل هذه النسخة کذا: عرضتها وجدت (۹) علی نسخه مستنسخه منها مقروه مصححه معارضه علی نسخه مولانا زین الدین شرف الفضلاء و الحكماء محمد بن

^۱. طباطبائی، عبدالعزیز، «المبتقی من مخطوطات نهج البلاغه»، تراثنا العدد الخامس، ص ۷۹.

^۲. حواشی در نسخه با امضاء «م دح» نوشته شده که ظاهرا به خط شیخ حرعاملی است و ناظر به مطالب امالی سید مرتضی است و بعضا دیدگاه‌های ایشان را مورد نقد قرار داده مانند بحث عالم ذر (فرم ۱۴).

نصر (کذا) حرس الله ايامه و عرض مولائی نسخه‌ی علی نسخه‌ی مولانا سید الهمام المرتضی علم الهدی سلطان العلماء فضل الله بن علی الراوندی ثم القاسی حرس الله ايامه و دام فضله و افضاله فصحت (؟) الا ما زاغ عنه القلم و وقع الفراغ من ذلك فی العاشر من ذی القعدة من سنهٔ ستة و ستین و خمسمائه هجریه و الحمد لله وحده و صلواته علی نبیه و آله» این نسخه حواشی ابوالرضا را دارد و در برخی موارد کاتب عین عبارت حواشی نسخه اساس را آورده مثلاً «قال السيد الامام ضياءالدين دامت ايامه ببعيد...» (فرم ۱۲۷، ۴۱، ۴۰).



رساله جامع علوم انسانی

۵. مقابله و تصحیح نسخه‌ای از تفسیر عیاشی

عالمان مسلمان در سنت کتابت و نقل میراث مکتوب گذشته (خصوصاً کتب حدیث) تلاش می‌کردند به نسخه‌های صحیح و معتبر کتب دسترسی پیدا کنند تا نسخه‌های خودشان را با آن مقابله و تصحیح نمایند.

تفسیر عیاشی، یکی از تفاسیر روایی شیعه است که فقط نیمی از آن باقی مانده و متأسفانه اسانید این بخش نیز حذف شده. ظاهراً تا الان نسخه‌ای کهن از آن یافت نشده و

نسخه‌هایی که از این تفسیر معرفی شده همگی متعلق به قرن یازدهم به بعد است.^۱ نسخه‌ای از این تفسیر در کتابخانه ملی ایران شماره ۱۳۲۲ نگهداری می‌شود. در برگ آخر این نسخه یادداشتی وجود دارد که پیگیری مالک این نسخه تفسیر، برای تصحیح و مقابله نسخه اش با نسخه‌های صحیح‌تر را به شکل زیر نشان می‌دهد.

مرحله اول: کاتبی بنام صالح کرمانی در شوال سال ۱۰۹۱ق این نسخه از تفسیر عیاشی را کتابت کرده است.

مرحله دوم: مالک تفسیر، این نسخه را با نسخه‌ای مغلوپ مقابله و اظهار امیدواری کرده است که در آینده به یک نسخه صحیحی از این کتاب دسترسی پیدا کند تا با آن مقابله کند. «قول و صحح بقدر الوسع و الامکان مع نسخه (؟) المغلوپ و کان کاتب هذا الكتاب غير مربوط و نرجو من الله جلّ شانه ان يعطينا بفضلہ العظیم و کرمة العمیم نسخه مصححه نفیسه حتی نقابله مره اخرى و صححنا حق التصحیح...».

مرحله سوم: مالک بعد از مدتی یک نسخه دیگر از تفسیر عیاشی دسترسی پیدا می‌کند و نسخه خودش را با آن مقابله می‌کند. امتیاز این نسخه دوم این بوده که برای علامه مجلسی ارسال شده و با دو نسخه‌ای که در اختیار ایشان بوده مقابله شده است. خوشبختانه همانطور که در تصویر زیر دیده می‌شود ایشان یادداشت روی این نسخه دوم را عیناً در انتها نسخه خودش نوشته است:

«ارسلت هذا التفسیر الی خدمت مولانا محمدباقر سلمه الله تعالی لاجل المقابله. قابل و ارسل الی هذا خطه حرره العبد الاقل «بسم الله الرحمن الرحیم... نسخه اینجانب اگر چه از روی دو نسخه قدیم مقابله شده (؟) یکی از کتابخانه شیخ بهاء المله والدین و دیگری...»

۱. فهرستواره دست نوشته‌های ایران (دنا)، ج ۳، ص ۱۷۲

یادداشت‌های کتابدار ۵۱

کتابخانه قدیمه شوشتر و چون هر دو در سقم موافق بودند باز مغلوط ماند و آنچه در بحارالانوار نقل شد اکثر از نسخ دیگر حدیث تصحیح یافت. حسب الفرموده با نسخه اینجانب مقابله شد و قدری تصحیح یافت اما صحت کامل (؟) و براء شافی نیافت امید که نسخه دیگر بهم رسد که صحتی داشته باشد والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته وکتب الحقیقیر محمدباقر بن محمدتقی عفی عنهما».

مرحوم مجلسی در مقدمه جلد اول بحارالانوار درباره تفسیر عیاشی نوشته: «تفسیر العیاشی رینا منه نسختین قدیمتین»^۱ با توجه به یادداشت بالا منظور ایشان از این دو نسخه دانسته شده و معلوم می‌شود ایشان در نسخه خود (و ظاهرا در بحارالانوار) برای تصحیح کلمات مغلوط این دو نسخه از کتب دیگر حدیث که متن مشابه آن احادیث را داشته استفاده کرده است.



۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۸